

برانکو پرسپولیس را تیم کرد

مجتبی جباری: استقلال ما باید هرسال قهرمان لیگ می شد



سعيد زاهدیان

این مصاحبه حاصل چیزی حدود ۳ ساعت گفت و گو با مجتبی جباری است؛ پسر ایده آل گرای فوتبال ایران که بسیار به وضعیت فعلی فوتبال نقد دارد. بدون هیچ حرف اضافه ای، مصاحبه او را بخوانید. البته بخش دیگری از این گفت و گو در روزنامه ایران ورزشی به چاپ می رسد.

در چند وقت اخیر فعالیت جدیدی را شروع کردی که تقریباً برای همه جالب بود. همه فکر می کردند مجتبی جباری برود سراغ مربیگری؛ اما امسال وارد فضای نقد شدی و با یکی از تلویزیون های اینترنتی همکاری کردی. برایمان سؤال شد که کلاً قصد فعالیت در این فضا را داری و قید مربیگری رازدی؟

نه قید مربیگری را نزدم. در بحث مربیگری، از زمانی که داشتم خوب استفاده کردم. گشتم و گشتم تا ببینم چه کسی می تواند در فضای مربیگری به من کمک کند. نکته جالب اینجا بود که وقتی فوتبال را کنار گذاشتم، متوجه شدم چیزی از مربیگری نمی دانم. دوران بازی با مربیگری دو عالم متفاوت است و نمی توانستم فوتبالی که خودم بازی می کردم را در قالب تمرین به کسی آموزش بدهم. سرانجام بعد از کلی تحقیق و پرس و جو، به آقای جلال چراغپور رسیدم. آقای چراغپور در رشت زندگی می کند. بعد از یک تماس و صحبت تلفنی، متوجه شدم که هم از نظر اخلاق و هم دانش فنی این گزینه همان چیزی است که نیاز دارم.

تا قبل از تماس آشنایی زیادی با هم نداشتید؟

چند بار در تلویزیون و جاهای مختلف آقای چراغپور را دیده بودم اما وقتی به رشت رفتم و حضوری درس گرفتم، خیلی به من کمک کرد.

در این سالها استقلال خیلی نسبت به تیم رقیب اختلاف زیادی نداشت و اگر یک مربی داشت که می توانست مثل برانکو بازیکنان را به تیم تبدیل کند، الان نباید ما ۱۰ سال بدون قهرمانی بودیم. در یک مقطع بحث مربی به حاشیه رفت یا مدیریت بد عمل کرد.

عکس: رضا مطهریان

مثلاً چه چیزهایی یاد گرفتی؟

چیزهایی که نمی توانستم در جایی بشنوم. آقای چراغپور سالها مدرس و معلم بوده و اهل تحقیق و خودش را به روز نگه داشته است. به همین دلیل چیزهایی که می دانست را به بهترین شکل ممکن به من انتقال داد. دنبال این هم نبودم که فوری بعد از یکی دو جلسه، بروم سر تمرین و تیم بگیرم. مطالبی که یاد می گرفتم برایم جذابیت و تازگی داشت. بسیار هیجان زده بودم و برای همین هر دو هفته یک بار به رشت می رفتم و در منزل درس می گرفتم. بعضی مواقع که با خانواده می رفتم، چند روز در هتل می ماندیم تا درسم تمام شود. تقریباً هر بار ۸-۷ ساعت برای آموزش وقت می گذاشتم که با چیزهای تازه به تهران برگردم. مدتی روی این مسائل فکر می کردم و درس ها را با خودم تجزیه و تحلیل می کردم تا دوباره بعد از مدتی به رشت سفر کنم و سؤالات و ابهاماتم را بپرسم. این جلسات باعث شد تا اعتماد به نفسم بالا برود و چیزهایی که الان از نظر تئوری یاد گرفتم را شاید کمتر کسی در ایران بلد باشد.

چرا بعد از این دوره ها وارد کار مربیگری نشدی؟

در عالم مربیگری نمی توانم با هر کسی و هر جایی کار کنم. متأسفانه در مربیگری مسائل و اتفاقات در کنترل سرمربی نیست؛ مجموعه ای از عوامل باید دست به دست هم بدهند تا مربی

